

## نکته:

مرحوم محقق داماد (بنابر تقریری که مرحوم طاهری اصفهانی از مباحث ایشان ارائه کرده است) درباره اینکه آیا مجتهد می تواند در «علوم مقدماتی اجتهاد» تقلید کند، بحث را به سه حوزه مختلف تقسیم کرده است. اگر مجتهد در علوم مقدماتی، تقلید کند:

الف) آیا نظرش برای خودش حجت است و می تواند مطابق آن عمل کند؟

ب) آیا نظرش برای دیگران حجت است و دیگران می توانند از او تقلید کنند؟

ج) آیا چنین مجتهدی می تواند قاضی شود؟

قبل از طرح سخن ایشان، لازم است اشاره کنیم که فرمایش ایشان، تا حدودی با آنچه ما گفتیم متفاوت است چرا که سخن ما در آن بود که آیا کسی که در مقدمات تقلید می کند، مجتهد هست یا نه؟ ولی سخن ایشان در آن است که آیا نظر چنین مجتهدی حجت است یا نه؟ (و لو اینکه ممکن است فرمایش ایشان هم به نوعی، با کلام ما قابل جمع باشد)

ایشان درباره این اقسام می نویسد:

«اما الاول فالظاهر جواز التقليد فی المقدمات لعدم الفرق فی الادلة الدالة علی جواز التقليد من السيرة و غيرها مما هو بمنزلتها بین ان یکون فی الحكم الفرعی او فی غيرها اذا کان له اثر کما هو الحال فی المقام. و تفصیل الکلام موکول الی بحث التقليد ... و اما الثانی فالظاهر جواز التقليد عنه کما سیتضح فی بحث التقليد. و اما الثالث فالظاهر نفوذ قضاوته»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

۱. نظر ایشان در قسم اول، در حقیقت آن است که ادله جواز تقلید اجازه می دهد که آدمی بتواند به اقوال کارشناسان علوم دیگر رجوع کند ولی ثابت نمی کند که او با مراجعه تقلیدی به نظر کارشناسان علوم دیگر، باز هم در فقه مجتهد است.

۲. و در قسم دوم و سوم هم ایشان دلیلی ارائه نمی دهد و صرفاً بحث را به آینده ارجاع می دهد. البته ممکن است بتوان از سخنان ایشان چنین استفاده کرد که مراجعه به کسی که در مقدمات اجتهاد، مقلد است، از باب جواز رجوع به نظر کارشناس، جایز است، چرا که اگرچه این نظر از ناحیه یک مجتهد صادر نشده است، ولی نظریه ای است که ارکان آن از کارشناسان اخذ شده است. این بحث را باید در مباحث تقلید مطرح کنیم.

۱. المحاضرات (مباحث فی اصول الفقه)، ج ۳، ص ۳۸۲



## مسئله هشت) تخطئه و تصویب

از زمره مهمترین مباحثی که در ذیل بحث اجتهاد مطرح است، بحثی است که از آن با عنوان تخطئه و تصویب یاد می‌شود. تعریف ساده این دو عبارت آن است که آیا «حکم الهی واحد است» که گاه مجتهد به آن دست می‌یابد و گاه خطا می‌کند و یا اینکه هرچه مجتهد حکم کند، صحیح است و حکم الهی خواهد بود» مرحوم آخوند ابتدا می‌نویسد در عقلیات، کسی قائل به تصویب نیست ولی در شرعیات مسئله مورد اختلاف است:

«اتفقت الكلمة على التخطئة في العقلیات ، واختلفت في الشرعیات ، فقال أصحابنا بالتخطئة فيها أيضاً ، وأنّ له تبارک وتعالی فی کلّ مسألة حکماً یؤدی إلیه الاجتهاد تارةً وإلی غیره أُخری»<sup>۱</sup>

ما می‌گوییم:

۱. آیت الله سبحانی در مقدمه نه‌ایة الوصول، می‌نویسد که همه مذاهب در اینکه در مواردی، حق یکی بیشتر نیست (و لذا اگر مجتهد به آن نرسد، خطا کرده است) اتفاق دارند.

۲. ایشان این موارد را چنین برمی‌شمارد:

«الأوّل : إنّ الحقّ فی الأصول والمعارف أمر واحد ، وما وافقه هو الحقّ والصّواب وما خالفه هو الخطأ ولم یقل أحد من المسلمین إلّا من شدّ بالتّصویب فی العقائد»<sup>۲</sup>

۳. ایشان در پاورقی از قول غزالی و آمدی نقل می‌کند که در میان اهل سنت، «عبدالله بن الحسن العنبری» بر این عقیده بوده است که «کلّ مجتهد مصیب فی العقلیات کما فی الفروع»<sup>۳</sup>

۴. مطابق نقل آیت الله سبحانی، مورد دومی که همه در آن قائل به تخطئه هستند، موضوعات است:

«الثانی : لا شک أنّ الحقّ فی الموضوعات ، كالقبلة وأروش الجنایات وقيم المتلفات واحد ، فأحد الظنون حقّ و غیره باطل. وأمّا إطلاق التصویب فيها ، فإنّما لغایة كفاية الظنّ فی صحّة الصلاة وعدم الإعادة»<sup>۴</sup>

[توضیح: إنّ قلت: پس چرا گفته می‌شود که اگر به اشتباه به سوی غیر قبله نماز خوانده شد، مجزی است و صواب است.

۱. کفایه الاصول، ص ۴۶۸

۲. نه‌ایة الوصول، ج ۵، ص ۶۷

۳. همان به نقل از الاحکام، ج ۴، ص ۱۸۴؛ المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۹

۴. نه‌ایة الوصول، ج ۵، ص ۶۸

قلت: این از جهت حکم شرعی تکلیفی است، یعنی اعاده لازم نیست. و لذا تصویب در اینجا به معنای صحت و فساد است که از احکام وضعی است]

